

متن پرسش

با سلام و آرزوی قبولی طاعات و عبادات شما. در پاسخ به سوال ۲۲۰۴۷ در مورد مرحوم آیت الله سید محمدحسین طهرانی (ره) مطلبی نوشتید که شبهه جسارت به آن مقام شریف را دارد. هر چند در پرسش‌های پیشین رعایت ادب و احترام آن وجود نازنین شده بود اما احتمالاً برخی رفتارهای فرزند کوچک ایشان (آقای سید محمد محسن) شما را بر آن داشت تا از لفظ «فرقه بازی» استفاده کنید والا آن مرحوم اگر می‌خواست فرقه بازی راه بیندازد بسیار می‌توانست در آن زمینه گروه و دسته شکل دهد. اما جسارتا چند نکته را از جایگاه یک دانشجو خدمت شما یادآوری می‌کنم. ۱. نقل قول مشهوری از پسر ارشد و همچنین داماد ارشد مرحوم شهید مطهری مطرح شده است (و بنده ندیدم این نقل توسط هیچ یک از فرزندان دیگر یا وابستگان آن شهید والامقام تکذیب شود) که آن شهید بنا بر رویای صادقه‌ای به دستور پیامبر اکرم (ص) و سید الشهداء (ع) در سال‌های آخر عمر و با هدایت مرحوم علامه طباطبائی (ره)، در کسب مقامات معنوی از مرحوم آیت الله طهرانی راهنمایی می‌گرفتند. عزیزان برای جزئیات ماجرا می‌توانند با جستجویی نقل قول‌ها را بخوانند. حال یا ما باید ناقلان آن ماجرا را دروغگو بدانیم یا اگر بپذیریم ماجرا واقعیت داشته و مرحوم شهید مطهری با وجود کبر سن و علمیت در علوم فلسفی نسبت به مرحوم آیت الله طهرانی و همچنین با وجود حاضر بودن مرحوم علامه طباطبائی (ره)، زانوی شاگردی نزد آن مرحوم زدند. حقیقتاً برای اهل تحقیق این سوال در مواجهه با آن واقعه مطرح می‌شود که چرا باید خداوند متعال آن شهید والامقام را با آن درجه فهم و درک فلسفی و فقهی برای کسب فیوضات معنوی به در خانه آیت الله طهرانی بفرستد؟ و نکته عجیب‌تر ماجرا این است که طبق این نقل، شهید مطهری از استادشان (یعنی مرحوم علامه طباطبائی) سوال می‌کنند و با راهنمایی آن بزرگوار آن شهید به شاگردی معنوی مرحوم طهرانی می‌رود. برای اهل اندیشه همین ماجرا دارای درس‌های عمیقی است در مقام و مرتبه معنوی و جایگاه عرفانی مرحوم طهرانی و علم به این جایگاه نزد استادشان یعنی علامه طباطبائی. ۲. الفاظی که مقام معظم رهبری در مورد مرحوم طهرانی به کار بردند اتفاقاً بسیار دقیق بیان‌کننده مراتب عرفانی آن بزرگوار است. البته شما و دیگران حق دارند در اموری از این دست با مقام رهبری موافق نباشند و نظر دیگری داشته باشند، اما سیره رهبری این است که در پیام‌های کتبی خود به شدت در به کار بردن الفاظ دقت دارند و اهل مبالغه نمی‌باشند. اینکه در مورد آن مرحوم آن الفاظ را به کار بردند و در مورد دیگران یا اصلاً به کار نبردند یا موارد بسیار نادری بوده نشان از اعتقاد ایشان به جایگاه استثنائی و بسیار خاص مرحوم

آیت الله طهرانی دارد. بر خلاف جنابعالی که به هر دلیل آن مرحوم را مانند دیگران برشمردید. ۳. این نقل مشهور از مرحوم آیت الله بهجت (ره) که افراد را تشویق به تبعیت از علم خودشان کردند و ظاهراً بر خلاف سیره استادشان (مرحوم آیت الله سید علی قاضی) شاگرد پروری نداشتند باعث شده برخی به اشتباه فکر کنند ایشان بالکل با روش استاد-شاگردی در مسائل سلوکی مخالف بودند. اما حقیقت امر آن است که آن بزرگوار این صحبت‌شان برای عموم بوده است و برای جلوگیری از راه افتادن شیادی در بازار سیر و سلوک. والا برای اهل تحقیق و کسانی که از نزدیک با ایشان ارتباط داشتند ایشان اتفاقاً شاگردان سلوکی داشتند، به ایشان دستورات چله نشینی و ذکر هم می‌دادند و ارتباط شاگرد-استادی بین آن بزرگوار و خواصی از شاگردان (که ایشان در آنها صلاحیت ورود در این مسائل را می‌دیدند) وجود داشته است. بنده به نقل از دو بزرگوار از اساتید حوزه و دانشگاه و متخصصین این امور و کسانی که از نزدیک با آن مرحوم و سیره ایشان اطلاع دارند این برداشت را دارم. ۴. متعجبم از جنابعالی که کتاب منتشر می‌کنید، سخنرانی می‌کنید، راهکار ارائه می‌دهید، اما در مسائل سلوکی به ظاهر این کلام مرحوم بهجت که «استاد شما علم شماسست» اتکا کرده و نیاز به استاد سلوکی را علی‌الظاهر انکار می‌کنید. بله، در این امور متاسفانه آنقدر کلاش و دغل باز زیاد است که امثال مرحوم بهجت را وادار به اظهار آن دست عبارات کردند اما نه عقلاً و نه بنا به سنت بزرگان رسیدن به مقامات معنوی بدون دستگیری استادی کامل ممکن نمی‌باشد (مگر در موارد نادر که النادر کالعدم). ۵. پسندیده‌تر بود شما نیز یا به سیره اهل احتیاط در اظهار نظر در مورد امثال آیت الله طهرانی سکوت می‌کردید یا اظهار ندانستن. نه اینکه صحبتی کنید که متاسفانه شائبه توهین دارد.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان‌طور که متوجه شده‌اید بحث در شخصیت علمی و سلوکی آیت الله حسینی طهرانی نیست. بحث در این است که عده‌ای می‌خواهند ایشان را تافته‌ای جدا بافته نسبت به دیگر علماء قلمداد کنند و به انواع خواب‌ها هم متوسل می‌شوند. با این‌که این‌همه در روایات ما تأکید شده است که خواب، حجت نیست. و این نحوه برجسته کردن آیت الله حسینی موجب محروم شدن اهل دل از سایر علماء بالله است به خصوص که تاریخ ما تاریخ نظر به حقیقتی است که از طریق انقلاب اسلامی و حضرت روح الله «رضوان الله تعالی علیه» ظهور کرده است. به طوری که در این مکتب، حججی‌ها به میدان آمده‌اند که مورد حسرت و غبطه‌ی هزاران شب‌زنده‌دارِ اهل سلوک است. زیرا راه را در این زمانه درست پیدا کرده است و ره صدساله را یک‌شبه طی نموده. به آوینی‌ها بنگرید که چگونه در مکتب امام پروریده شده‌اند.

کسی با جنابعالی سخن می‌گوید که می‌تواند ادعا کند روی هم رفته همه‌ی آثار آیت الله طهرانی را مطالعه کرده و از بعضی از آن‌ها بهره‌مند شده. ولی با توجه به آن‌که علماء بالله در ذیل اسلام و فرهنگ اهل‌البیت «علیهم‌السلام» آنچه می‌نویسند و یا می‌گویند آثارِ اِشراق و یافتی است که به آن‌ها می‌شود؛

بنده در مقایسه با سایر علماء بالله ایشان را چیزی بالاتر از آنها نیافتم و این بدین معنا نیست که شخصیت علمی و سلوکی ایشان را نفی نمایم. بلکه برعکس، بنده همواره رفقا را به مطالعه آثار ایشان توصیه می‌کنم. ولی باز تأکید می‌کنم به هیچ‌وجه این راه را درست نمی‌دانم که ایشان تافته‌ای جداافتاده قلمداد شوند که در آن صورت رجوع طالبان راه حقیقت را به سوی سایر علماء بالله به‌خصوص آثار حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» که حقیقتاً قابل مقایسه با بسیاری از علماء نیست؛ مسدود کرده‌ایم. موفق باشید